

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۳۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش باز گرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ شهریور ۱۳۸۹، ۱۵ اوت ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

## در گرامیداشت قربانیان کشتار تابستان ۶۷



پس از گذشت ۲۲ سال، پرونده جنایات جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۶۷ در مقابل چشم جهانیان مجدداً باز شده است. در این سال هزاران زندانی سیاسی، هزاران مخالف رژیم، هزاران کمونیست و آزادیخواه در عرض چند هفته در زندان های سراسر کشور تیرباران شدند. این کشتار به فرمان مستقیم خمینی رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی انجام شد. هزاران نفر در دادگاههای چند دقیقه ای محکوم به اعدام شدند و در گورهای بی نام و نشان به خاک سپرده شدند. نماز

نخواندن، مسلمان نبودن، امتناع از شرکت در مصاحبه تلویزیونی از بهانه های عادی اعدام ها بود. یاد همه این عزیزان گرامی باد!

قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ ادامه کشتار سال ۵۸ در کردستان و ترکمن صحرا، ادامه

صفحه ۲

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران در مورد پژاک

ای است. دوما کلمات کنفدرالیسم و ناسیونالیسم سنتی و ... که در برنامه پژاک بکار رفته است، تلاشی ناموفق برای نشان دادن تفاوت آنها با دیگر جریانات ناسیونالیست کرد است. اینها با این کلمات خواسته اند بگویند که تافته جدا بافته ای و شاخه "خوب" ناسیونالیسم کرد هستند. اما در حقیقت کنفدرالیسم شان همان فدرالیسم و ناسیونالیسم غیرسنتی مورد نظرشان ادامه همان ناسیونالیسم پوسیده است.

صفحه ۲

اگر مسئله کرد به شیوه ای دمکراتیک چاره یابی گردد راه برای اتحاد دمکراتیک خلق های منطقه گشوده خواهد شد. به همین سبب سیستم کنفدرالیسم دمکراتیک خلق ها تنها راه رهایی از وضعیت کنونی است "کنفدرالیسم دمکراتیک خلقها یعنی چی و نظر شما چیست؟

### محمد آسنگران: اولاً باید

بگویم که این کلمات و ادبیات ترجمه شده بوسیله پژاک از کردی به فارسی، زیادی ناشیانه و غیر حرفه



محمد آسنگران

آوات فرخی: پژاک در برنامه خود از خودمدیریتی دمکراتیک خلق کرد بحث می کند و می گوید

## شنبه ۱۸ سپتامبر: شهروندان جهان علیه رژیم شلاق و سنگسار!

**Call to Action**  
**on Saturday, September 18:**

**citizens of the world against regime of flogging and stoning.**

**No stoning**  
**No Execution**  
**No lashes**  
**No Islamic regime**

**Date:**  
**Saturday 18 September**

**Place:**  
**The World**

**Make the world stand still in its rage against medievalism and barbarity and in its support of humanity. Sakineh, her children and the many others awaiting death by stoning and execution**

International Committee Against Stoning [stopstoningnow.com](http://stopstoningnow.com)  
Iran Solidarity [iransolidarity.org.uk](http://iransolidarity.org.uk)  
Mission Free Iran [missionfreeiran.org](http://missionfreeiran.org)  
International Committee Against Execution [notonemoreexecu-](http://notonemoreexecu-)



محمدامین کمانگر

## راه چاره خود کشی نیست، برچیدن حکومت اسلامی است!

اندر کاران حکومت اسلامی برای اینکه دلائل و ریشه های عینی و واقعی این مسئله از دید مردم پنهان شود، نمی گذارند که آمار دقیق آن پخش و منتشر شود اکثریت این انسانها که دست به خود

صفحه ۴

در ایران اسلام زده روزی نیست که خبر از خود کشی و خود سوزی تعدادی از جوانان بخصوص دختران شنیده نشود. ابعاد این پدیده دردناک هر روزه دارد بالا می رود و به سطح همه روزنامه ها کشیده شده است. هر چند مسئولین و دست

### دیدار با مادر فرزاد کمانگر

صفحه ۴

### سجاد و سعیده خطاب به مردم دنیا

صفحه ۵

### حکم اعدام محبت محمودی به دایره اجرای احکام ابلاغ شد

صفحه ۵

### بدر و وکیل گلپری پور: حبیب کتاب داشت نه اسلحه

صفحه ۶

### بازداشت پنج فعال سیاسی در شهر روانسر

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران...

از صفحه ۱

مسلحانه در سنت آنها معنای دیگری دارد؟

به نظر من پژاک و پ.ک.ک. که در واقع یک جریان واحد هستند، بشدت ایدئولوژیک، غیر سیاسی، دمک و نژاد پرست هستند.

اگر بشود با جریان ناسیونالیستی مثل حزب دمکرات حرف زد و حتی مثل یک جریان بورژوازی با آنها بر سر یک میز مذاکره قرار گرفت با پژاک و پ.ک.ک. نمیشود. اینها از دایره تمدن و مدنیته خارج هستند. جریانی شبیه جریانات مذهبی افراطی و به شدت دمک و بیرحم و غیر متمدن هستند. بنابراین قدرت خود را در شارلاتانیسم، ایجاد فضای ارباب و پر خورده ایدئولوژیک به مسایل و موضوعات دنیای امروز میبینند.

این جریانات حاصل فضای دیکتاتوری و قهاریت دولتهای مرکزی هستند. اینها محصول جامعه مدرن و متمدن قرن ۲۰ و ۲۱ نیستند. اینها نتیجه تحقیر ناسیونالیسم کرد بوسیله ناسیونالیسم حاکم و نفرت ناسیونالیسم کرد از این تحقیر هستند. دارای روابطی عشریه ای و بشدت عقب مانده و بی رحم حتی به نسبت خودشان هستند. در کردستان ایران جایگاه و پایگاه ماندگاری ندارند. جوانان عاصی، بیکار و بی آینده که بوسیله جمهوری اسلامی تحقیر شده اند با شخصیتی خرد شده و آینده ای ناروشن وارد صف پژاک و پ.ک.ک. میشوند. این جوانان طول عمر متوسطشان متاسفانه به ۲۵ سال نمیرسد.

برنامه و سیاست نزد پژاک و پ.ک.ک.ک. اساسا بی اعتبار و غیر قابل اعتماد است. اینها ادامه بیان کننده هیچ مکتب جدی سیاسی قرن حاضر نیستند. مثلا مکاتیبی مانند: ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و غیره پایه های واقعی و مادی در جامعه دارند اما پژاک و پ.ک.ک.ک. را نمیتوان ادامه منطقی هیچکدام از این مکاتب دانست. حتی به نسبت ناسیونالیسم کرد هم بسیار عقب مانده تر، خشن تر و بیرحم تر و بی آینده تر هستند. اینها را میتوان فقط با جریاناتی متعصب و کور مانند حماس و حزب الله و طالبان مقایسه کرد که محصول دوران خاصی از به قهقرا رفتن

جامعه هستند. جایگاه اوچلان نزد آنها مثل بن لادن برای مسلمانان متعصب است.

در ادبیات اینها چیزهایی دیده میشود که به دنیای امروزی ربط و خیالی و بشدت ایدئولوژیک است. اینها را در چهارچوب جریانات سیاسی راست یا چپ نمیشود بررسی کرد. در این چهارچوب نمیتوان در مورد سیاست آنها حرف زد. اینها یک سکت متحجر به شدت غیر اجتماعی و بیرحم اما متصل به ناسیونالیسم کرده هستند اگر چه ادامه منتفی آن نیستند. اینها در پایه ای ترین سطح انعکاس منافع هیچ کدام از طبقات جامعه نیستند. چیزی شبیه سازمان مجاهدین خلق ایران هستند. سکتیهای بی آینده و مخرب به حال مردم هستند. اگر ناسیونالیسم کرد بیان ایدئولوژی بورژوازی کرد برای سهم خواهی از دولت مرکزی است، اما پژاک و پ.ک.ک. این منافع را نمیتوانند نمایندگی کنند. همچنانکه سازمان مجاهدین نمیتوانند نمایندگی و بیان کننده خواست بورژوازی ایران باشد. بالاخره بورژوازی و ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی این طبقه یکی از جریانات و مکاتب شناخته شده و اساسا حاکم در دنیای حاضر است. اما پ.ک.ک. و پژاک با قد و قواره و سیاست تا کنونیشان نمیتوانند نماینده این طبقه در کردستان باشند. بنابراین آنها را میتوان در چهار چوب جریانات سکتی، شبه مذهبی و نژاد پرست به حساب آورد.

## آوات فرخی: مبارزه مسلحانه

در شرایط کنونی ایران در چه جایگاهی قرار دارد و شما جایگاه مبارزه مسلحانه را در چه ظرفیتی توضیح میدهید؟

بحث کنفدرالیسم و دمکراتیک و غیره تنها اوارد ایدئولوژیکی برای توجیه صف خودشان است. در دنیای واقعی هیچکدام از اینها برای پژاک و پ.ک.ک.ک. جایگاه جدی در ذهنیت آنها ندارد. آنها از انزجار مردم علیه ستمی که در کردستان اعمال میشود استفاده ابزاری میکنند. آنها نتیجه سرکوبگرها و بیرحمیهای حاکمان ایران و ترکیه و... هستند. ربطی به رفع ستم بر مردم کرد ندارند.

آوات فرخی: آیا مبارزه مسلحانه ای که پژاک پیش می برد در جهت برقراری بقول خود اتحاد دمکراتیک خلقها و خودمدیریتی دمکراتیک خلق است یا مبارزه

## در گرامیداشت قربانیان ...

از صفحه ۱

کشتار دانشجویان در سال ۵۹ و تیرباران هزاران زندانی سیاسی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ بود. ادامه سرکوب شوراهای کارگری، ادامه تحمیل حجاب و سرکوب خشونت بار زنان، بستن روزنامه ها و در هم شکستن تشکل های مختلف مردم و دستگیری و شکنجه دهها هزار کمونیست و مخالف رژیم بود. و تنها از این طریق، رژیم اسلامی توانست خود را سر پا نگهدارد و حکومت کند.

۲۲ سال پس از این جنایت، رژیم همچنان سرکوب میکند و مخالفین را به زندان می اندازد اما امروز در اوج بحران اقتصادی و سیاسی، در اوج استیصال و بهم ریختگی و در اوج انزوای جهانی دست و پا میزنند. سال قبل میلیونها نفر از مردم در خیابانها حکومت اسلامی را به محاکمه کشیدند و دست اندرکاران رژیم در سال ۶۷ را به جان هم انداختند. زیر فشار انقلاب، سران رژیم جنایات انجام شده را به گردن یک دیگر می اندازند و تلاش می کنند تا خود را بیگناه جلوه دهند. مشروعیتشان را خود زیر سوال برده اند و حکومتشان را خود به محاکمه کشیده اند. امروز در مقابل جنایات جمهوری اسلامی جنبش

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری  
ایران  
۱۸ شهریور ۱۳۸۹  
۹ سپتامبر ۲۰۱۰

ما در چند سال گذشته حتی آن هنگام که جریانی فرقه ای و بی ربط به جامعه به اسم چپ مانند "حکمیستها" به بلوف زدن در مورد "گارد آزادی" و نیروی مسلحشان روی آوردند و مرتب میگفتند سناریوی سیاه پشت کوه بغل دستشان قرار دارد و می آید و جامعه را به کام خود میکشد و...

گتیم که این ادعاهای بی پایه و نیروی مسلح کاغذی ضررش فقط این نیست که در مدت کوتاهی بی پایه و بی مایه بودنش عیان میشود، بلکه بهانه به رژیم میدهد که هر فعال سیاسی را به این دلیل و برهان زیر ضرب ببرد. دیدیم که آن سیاست ماجراجویانه خرده بورژوازی چه

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران...

از صفحه ۳

سیاسی که جمهوری اسلامی به این بهانه که با پژاک همکاری کرده اند دست به کشتار آنها زد برای همه عیان است. اگر چه مسئول این خونریزی همان جمهوری اسلامی است اما این جریانات هم واقعا به حال جامعه مخرب هستند و باید جامعه آگاهانه از آنها دوری کند.

## آوات فرخی: پژاک معتقد است

که جمهوری اسلامی دین را بعنوان یک وسیله ابزاری استفاده کرده است. این بدان معنا است که گویا جمهوری اسلامی در مورد مذهب دارد پولیتیک می زند و به نوعی این برداشت را می دهد که پایه های این رژیم بر قوانین اسلامی متکی نیست؟ این گفته پژاک را چگونه توضیح می دهید و اصلا نگاه پژاک به مسئله مذهب چیست؟

## محمد آسنگران: پ.ک.ک به

عنوان مادر پژاک با افراطی ترین جریان مذهبی احساس نزدیکی و همدردی میکند. آنها مشکلشان با جمهوری اسلامی این نیست که حکومتی مذهبی و ارتجاعی است. مشکلشان این است که چرا آنها را به عنوان بخشی از خودش محسوب نمیکنند. اگر یادتان باشد دو سال قبل هنگامیکه دولت آمریکا و ترکیه به توافقاتی برای محدود کردن پ.ک.ک رسیدند، اوچالان رسماً اعلام کرد که نیروهای آنها در جواب به آمریکا و ترکیه در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرند. زیرا آن دوره بحث حمله نظامی به ایران داغ بود و پ.ک.ک فکر میکرد حالا که آمریکا این نیرو را علیه ایران به کار نمیگیرد بنابراین پ.ک.ک و پژاک ناچارند با جمهوری اسلامی متحد شوند. از این رو پژاک و پ.ک.ک هیچ وقت مشکلی با مذهب و حکومت مذهبی نداشته اند. زیرا اینها سالها در شهرهای غرب ایران مقر داشتند و با جمهوری اسلامی همکاری میکردند. فقط هنگامیکه ایران و ترکیه و سوریه به توافق رسیدند و اوچالان از سوریه اخراج کردند و بعدا دستگیر شد، پ.ک.ک ناچار شد شهرهای ایران را تخلیه کند. در همین اثنا بود که به فکر سازمان دادن پژاک هم افتادند. یعنی در واقع

همان سازمان مجاهدین خلق است. که آزادی نوعی ولایت فقیه و جایگاه زن هم نوعی مطیع بودن "بارضایت خود" را معنی میدهد.

## آوات فرخی: پژاک از رهبر پ

ک، عبدالله اوچالان بعنوان رهبر حزب خود یاد می کند آیا این دو حزب یکی هستند و هرکدام یک برنامه مشخص و یا مشترک دارند؟ تفاوت این دو جریان در چیست؟

## محمد آسنگران: قبلا و در

جواب سوالات بالا فکر کنم این سوال را جواب داده باشم اما کوتاه بگویم اینها حتی دو سازمان نیستند فقط دو اسم اند برای یک سازمان. واحدهای این سازمان در ایران اسمشان پژاک است و در ترکیه اسمشان پ.ک.ک. لازم به توضیح است حتی مدتی اسم پ.ک.ک را هم برداشته و اسامی دیگری برای خود انتخاب کردند اما در خارج سازمانشان کسی به این اشتباه نیفتاد که اسم واقعی آنها را تغییر بدهد. همه به آنها میگفتند پ.ک.ک بنا براین این اسامی دکوراسیونی بیش نیست. اینها به معنی دقیق کلمه سازمان و حزب هم نیستند. اینها یک سکت متحجر و متعصب نژادپرست هستند. که تحقیر دولتهای مرکزی آنها را به انتقام جویی وادار کرده و تعدادی را در این واحد و زیر یک سقف جمع کرده است. به نظر من نه پ.ک.ک و نه پژاک با این چهارچوبهای فکری هیچ آینده ای ندارند. اما تا وقتی که پول و امکانات به جیب آنها بریزند آنها هم میتوانند نقش ایفا کنند. عین سازمان مجاهدین خلق در ایران که اکنون در به در به دنبال یک خریدار میگردد که سازمانش را بکار بگیرد. حال این خریدار آمریکا باشد یا اسرائیل، فرانسه باشد یا عربستان سعودی برای مجاهدین تفاوت چندانی ندارد. فقط باید قدرتی پیدا بشود و آنها را به کار بگیرد. همچنانکه قبلا صدام حسین آنها را بکار گرفت. این سرنوشتی است که در انتظار پژاک و پ.ک.ک هم هست. همین حالا هم کم و بیش در چنین فضایی ارتزاق میکنند.

\*\*\*

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیسی

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

زنده باد انقلاب انسانی  
برای حکومت انسانی

## دیدار با مادر فرزند کمانگر



مردمش زنده است. از اتاق بیرون آمدم و از ساختمان استانداری که خارج شدم دیدم تعداد زیادی مامور آماده باش ایستاده اند. با صدای بلند گفتم قدرت یک مادر فرزند مرده را ببینید که از ترس شان این همه مامور برایش آورده اند.

مادران جانبختگان نیز در این دیدار ضمن دلجویی از خانم رضایی و همدردی با وی غم و اندوه خود را از اعدام فرزند و دیگر زندانیان در کردستان ابراز داشتند. مادران پارک لاله حمایت و پشتیبانی مادران عزادار از یکدیگر در سراسر ایران را ضروری دانسته و بر حق خود در پیگیری ظلمی که برخورد و فرزندانشان رفته تاکید کردند.

مادر فرزند نیز با سپاس از حضور مادران و همدردیهایی که طی این مدت با وی صورت گرفته است گفت همه ما به نوعی درد زندان یا مرگ فرزندان و عزیزانمان را تجربه کرده ایم و همدردیم. برای من آن دختر جوانی که در خیابانهای تهران تیر خورد و کشته شد با پسر که بعد از چهارسال تحمل زندان و شکنجه پای چوبه دار رفت فرقی ندارد و همه فرزندان من هستند در ادامه ی این دیدار یکی از مادران که فرزندش مدتی در زندان با فرزند کمانگر هم بند بوده، خاطراتی را از زبان پرسش در تعریف از رفتار و منش فرزند بیان داشت و گفت پسر احترام خاصی برای فرزند قاتل است و او را سمبل یک انسان دلسوز و آزاده می داند.

\*\*\*

خانم سلطنت رضایی مادر فرزند کمانگر در دیداری که مادران پارک لاله در یکی از بیمارستانهای تهران با وی داشته اند در رابطه با عدم تحویل پیکر فرزند، گفت پسر من در دل مردمش زنده است، گلی پرورش داده ام و آن را تقدیم کردستان کردم. دایه سلطنت رضایی مادر فرزند کمانگر در این دیدار با اشاره به اینکه تلاشهایش برای تحویل گرفتن پیکر فرزندش نتیجه ای نداده گفت پسر را نابحق اعدام کردند و حتی جنازه اش را هم تحویل ندادند. چهار روز همراه بقیه خانواده ها در زندان اوین بودیم جوابی ندادند. به مجلس رفتم و آنجا استاندار سنه هم حضور داشت. به او گفتم به اینجا می گویند خانه ی ملت. اینجا جای من است نه شما! همین آقا گفت اگر جنازه ها را تحویل ندهیم کردستان پیکرچه آتش می شود. بروید بعداً قبرها را نشانتان می دهیم. من هم گفتم گلی پرورش دادم و آن را تقدیم کردستان کردم. افتتاحش برای من و شرمش برای شما

بعد از چهل هم به استانداری کردستان مراجعه کردم و گفتم قول دادید قبر فرزندم را نشان دهید. استاندار باز جواب سریلا داد و گفت قبرشان را نشان تان دهیم می شود محل برپایی تجمعات. تنها کاری که می توانم بکنم این است که برای کم شدن عذاب قیامت شان دعا کنم. این حرف را که زد بلند شدم و با مشت روی میزش کوبیدم و گفتم قیامت اینجاست. اصلاً من مشتت خاک نمی خواهم. پسر من در دل

جدا از این در اثر فشار های مداوم سیاسی و اقتصادی چندین برابر بیش از آمار خود کشیها استرس و بیماریهای روحی و روانی ناشی از آن قربانی می گیرد. و بدتر از آن، کسانی که بدام این هیولا گرفتار می شوند، نه تنها به آنان هیچ کمک و مداوایی از طرف رژیم اسلامی نمی شود بلکه ترد و منزوی می گردند و با کوهی از مسائل و مشکلات اجتماعی باید دست و پنجه نرم کنند. حکومت فاسد اسلامی در قبال زندگی و امروز و آینده شهر و ندان کوچکترین مسئولیتی را هیچوقت برعهده نداشتنه است. مسئولیت ۳۱ ساله این رژیم چیزی جز فقر و فلاکت و به فقرا کشاندن جامعه نبوده است.

امروز در ایران هیچ خانواده ای یافت نمی شود که به عنایینی یکی از اعضای آن و یا یکی از اقوامشان گرفتار یکی از این بلاهای که حکومت اسلامی بانی و مسئول آن است نباشد.

تا این سیستم و این حکومت بر ایران حکم براند خود کشی بعنوان یکی از ثمرات و برکنهای این رژیم باقی خواهد ماند و همچنان که گفتم از این مردم قربانی خواهد گرفت. امروز مهمترین و موثرترین راه برای مردم مبارز و آزادیخواه این است که پیگیرانه تلاش کنند تا هر چه زودتر این غده سرطانی که بجان مردم افتاده است را به زیر بکشند. مسبب اصلی این اوضاع و این خود کشیها و تمامی مصائب اجتماعی در جامعه حکومت اسلامی است. قاتل همه آنهاهی است که دست به خودکشی زده اند. قاتل همه جوانانی است که هیولای مواد مخدر آنها را می بلعد. اما این استرس و ناامیدی را باید به خشم علیه نظام اسلامی تبدیل کرد. و امید به تغییر اوضاع، جای ناامیدی و خودکشی را بگیرد. بخصوص در این شرایط که مردم در سطح میلیونی به خیابان آمده اند و از هر زمان جهت سرنگونی این رژیم آماده ترند.

ما مردم هیچ راهی جز اتحاد و همبستگی و جدال برای بنا نهادن یک جامعه آزاد و برابر و مرفه یعنی جامعه آزاد انسانی، جامعه سوسیالیستی نداریم. جامعه ای که در آن خبری از اختناق، فقر،

## راه چاره خود کشی نیست...

از صفحه ۱

سیستم، که بانی و مسبب فقر و فلاکت و بیکاری و اعتیاد و از خود بی خود کردن میلیونی جوانان با اعمال کردن قوانین ارتجاعی و ضد زن اسلامی و دفاع از سنت های مرد سالارانه و با سرکوب خواسته ها و تمایلات آزادیخواهانه مردم در سراسر ایران گسترش داده اند.

با پناه بردن به اعتیاد و خود کشی نه تنها هیچگاه نمی توان این مناسبات ضد انسانی را بچید واز شدت آن کاست، بلکه راه شناخت آن و راه علاج این درد مزمن تر و طولانی ترهم خواهد شد.

فقر و بیکاری و اعتیاد و خود کشی همزاد حکوت اسلامی است و شبانروز دارد از این مردم قربانی می گیرد. هزاران انسانی که به علت محروم بودن از ابتدایی ترین حق و حقوق انسانی خود هر روزه تحقیر می شوند، و هزاران زن و دختری که به علت فقر اقتصادی تحت فشار آپارتاید جنسی و مرد سالاری کشته می شوند یا خود کشی می کنند. با از بین رفتن هر تک نفر از این انسانها جرم حاکمان اسلامی سنگین و سنگین تر می شود. تنها نسیمی از هزینه های سر سام آور اطلاعات، سپاه پاسداران، ارتش و بسیج و مساجد و لباس شخصی ها، گله های آخوند و حزب الله و مافیایی که پشت این ارگانها قرار دارند، می تواند رفاه یک جامعه ۷۰ میلیونی را پاسخ دهد و قطعاً خبری از این خود کشیها هم نبود و این همه جوان دچار یاس و بی آیندگی نمی شدند و از بین نمی رفتند.

مافیای مواد مخدر که در دست بالاترین رده های اطلاعات و سپاه پاسداران این حکومت قرار دارد بجان مردم افتاده است و به قیمت خانه خراب کردن میلیونها انسان و از هم پاشیدن زندگی آنان میلیارد میلیارد به ثروت افسانه ای خود در بانکها می افزایشند و در این راستا هر از چند گاهی تعدادی از این ننگون بختان را بعنوان عامل فروش و توزیع مواد مخدر می کشند یا در انتظار عمومی آنها را به دار می آویزند تا خود و نظام اسلامی شان را تیرته کنند و در انتظار عموم مردم حکومت و سیستم اسلامی را مخالف مواد مخدر قلم داد کنند!

کشی می زنند. جوانان در میان این آمار نیز بیشترین قربانیان دختران و زنان جوان هستند.

در هفته گذشته طبق اخبار رسیده فقط در استان ایلام سه دختر ۱۷ و ۱۸ ساله دست به خود کشی زدند. دو نفر از آنان با ریختن نفت بر خود و یکی دیگر دختر ۱۷ ساله با خوردن پودر حشره کش اقدام به خود کشی کرد که پس از انتقال به بیمارستان متأسفانه جان خود را از دست داد. معاون هماهنگ کننده فرماندهی استان ایلام با اشاره به آسیبهای روانی و اجتماعی شایع در استان اظهار داشت. این آسیبها دلالت و ریشه های گوناگون فرهنگی اقتصادی و... دارد.

سوآلی که مطرح است این است چرا این همه خود کشی؟ چه عواملی دست بدست هم می دهند که انسانی از هستی زندگی سیر شود و به طرف این عمل و تأسف بار سوق پیدا کند؟ چه مشکلاتی می تواند انسانی را به سوی نیست و نابودی خود هدایت کند؟ آیا خود کشی و آتش زدن به پیکر خویش عکس العمل طبیعی یک انسان به خود و آن مشکلات و مصیبتها و مناسبات ضد بشری ای است که جامعه موجود بر او و هم سر نوشتتان او تحمیل کرده است؟

این فقر و فلاکت و مصیبت بی انتها را چه کسی بر روی دوش مردم گذاشته؟ چه کسی به مردم تحمیل کرده تا مداوماً از خود و فرزندان و عزیزانشان قربانی بگیرد. این چه جامعه ای است که مناسبات مبتنی بر آن را چنان مه آلود کرده اند که حتی جوانان ۱۵ و ۱۶ ساله از فرط فشار زندگی وادار شوند که به دست خویش به زندگی خود پایان دهند؟

مقصر اصلی این فجایع انسانی و این ازدیاد خود کشی در جامعه کیست؟ آیا این راه چاره و از بین بردن درد و مصیبتهاست؟ آیا خود کشی میتواند حتی یک ذره از مشکلاتی که به جان این جامعه هفتاد میلیونی افتاده است حل کند؟ قطعاً چنین نیست.

رهبران و دست اندر کاران نظام اسلامی حاکم بر ایران و مدافعان سرمایه برای بقای این نظام و این



## سجاد و سعیده خطاب به مردم دنیا



این روزها

هنوز

در جستجوی خودمان

سرگردانیم ...

هر چه می گذرد

پیچیده تر می شویم

نا مفهوم تر

و معنای زندگی

گنگ تر ...

قسم می خوریم

در کودکی

رازهای جهان را

می دانستیم

و زبان کلهها

و پروانه ها را نیز ...

اما حیف

کودکی هایم را باد برد

...! مادر ما دیگر خسته شده ایم می خواهیم در آغوش گرم آرام بگیریم، خسته شده ایم بس که از سرما لرزیدیم و تهمت ها شنیدیم و در آشکارا و در خفا گریه کردیم ... بس که این کوره راه، ترس آور زندگی مخوف را هراسان پیمودیم زخم پاهایمان به ما میخندد... خسته شده ایم بس که تنها دویدیم... اشک دیگر نداریم که گونه هایمان را پاک کند... می خواهیم با تو گریه کنیم ... خسته شده ایم بس که... تنها گریه کرده ایم... می خواهیم دستهایمان را به گردن بیابیزیم و شانه هایمان را ببوسیم... خسته شده ایم، بس که تنها ایستاده ایم و... آری مادر ما سال هاست که سایه تو را؛ هم چون پدر بر سر نداریم ، خیلی وقت چشم به در داریم و دیگر نمی گذارند از تو خبر بگیریم ، خیلی وقت است زیر رگبار باران هوای رفتن داریم، ولی همسفر نداریم ...

ما کیستم آیا یک موجود زنده ؟ در کجا و برای که زنده ایم نمی دانیم ؛ نمیدانم اصلاً برای چه به دنیا آمده ایم ؛ اصلاً خداوند برای چه من و خواهرم را خلق کرده است ؛ آفریده

ما کیستم آیا یک موجود زنده ؟ در کجا و برای که زنده ایم نمی دانیم ؛ نمیدانم اصلاً برای چه به دنیا آمده ایم ؛ اصلاً خداوند برای چه من و خواهرم را خلق کرده است ؛ آفریده

شده ایم تا شکنجه ببینیم ؟ آخر چرا و چقدر ؟ از کودکی با ترس و در حالی که به یکدیگر پناه می بردیم در کوچه های سرد و تاریک آواره شدیم... در زمانی که دختران در آغوش مادرشان می نشینند تا مادرشان موهای آنها را ببافند ؛ خواهرم در هوای سرد و برفی و با یک پیراهن نازک و در حالی که بدنش از شدت سرما یخ می زد ؛ در کنار دیوار بلند زندان انتظار می کشید و التماس می کرد تا شاید که به او اجازه ملاقات مادرش را بدهند ... در زمانی که هم سالان من (سجاد) در کنار پدر نشسته و با وی درسهای مدرسه را تمرین می کنند ؛ من شاهد صحنه دردناک قتل و فوت پدرمان بودم و حال از آن دردناک تر اتهام کذب و کثیف قتل پدرمان به دست مادرمان از طرف سنگسار کنندگان جمهوری اسلامی ..... شاید اگر امکان این بود که ما به مدرسه برویم همیشه سرکلاس املاء

مادر را اشتباه مینوشتم تا معلم ما را جریمه کند و در یک ورقه سفید هزار مرتبه بنویسم ؛ مادر <sup>مادر</sup> آیا تصویری کنید !! نه شما

نمی توانید تصور کنید! چرا که ویکتور ماری هوگو، اگر زنده بود دیگر نیازی به نوشتن رمان بینوایان و کزت وفاتین نداشت، یا چارلز جان هوفام دیکنز به نوشتن رمان الیور تویست و فاکین اقدام نمی کرد . چرا که ما را داشت! اگر که ، کزت در آینده مدافعانی چون ژان والژان یا موسیو مادلن را پیدا کرد و الیور تویست؛ مدافعی چون آقای براون لا ... ما سرنوشت مان و آیند مان ؛ گردابی مخوف غرق در چاهی است دهشتناک ؛ سقوطی ناعادلانه و بیرحم به پرتگاه افراط و نامنی ... وکیل مدافع ما هوتن، خود دیگر کاشانه ندارد ؛ در داگستری نیز به جرم دفاع از ما راه ندارد ، خود نیاز به حامی دارد ؛ ... ، و چه تراژدی شده است ؛ این زندگی و ادامه آن!!!! شاید آن بازجوی اطلاعات رژیم؛ هفته قبل وبه هنگام تفتیش دفتر و کیل مان هوتن کیان راست میگفت ؛ گفت که اگر مادرتان را هم داشته باشید ؛ دیگر نخواهیم گذاشت زندگی داشته باشید؛ چرا که دنیا به آزادی مادرتان کار دارد ، نه به زندگی شما !!!! ، آری چه پوچ است ؛ این زندگی و ادامه آن!!!! در حالی که از همه جا طرد شده ایم و در جمع فامیل ها نیز جای نداریم ؛ و چه چیز مهلکی است

مذهب افراطی وجه مصیبتی است صلیب حضرت مسیح ! ... نمی دانیم در جمهوری اسلامی ؛ اگر هوتن کیان را نداشتیم و در خارج از ایران شما را ؛ تا الان چه سرنوشتی در انتظارمان بود ؛ واقعاً نمی دانیم و تصور آن برای ما مشکل است . روزی که نا امیدانه و در حال گریه ؛ به فرشته نجات خانم مینا احدی؛ زنگ زدم و روزی که وجدان ؛ هوتن کیان ؛ او را همراه ما کرد .... و روزی که حمایت شما را می بینیم، شاید تنها دلخوشی این زندگی پر از زجر باشد و فانوسی در تاریکی مطلق کور سوی تنهایی زندگی امان ... پس عاجزانه التماس می کنیم به فکر ما و امثال ماها و وکلای امثال هوتن کیان ها ؛ شیوا نظر آهاری ها ؛ اولیاء فرها و نسرین ستوده ها و ... دیگران باشید ... آری التماس می کنیم ؛ التماس ...

سجاد و سعیده به تمام دنیا  
۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

اولین بار ترجمه فرانسوی آن در تظاهرات روز ۱۲ سپتامبر در پاریس قرائت شد

\*\*\*

## حکم اعدام محبت محمودی به دایره اجرای احکام ابلاغ شد

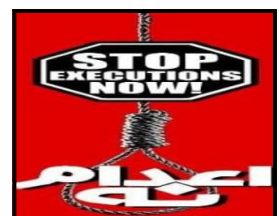


محبت محمودی طی تماسی تلفنی اعلام کرده است که حکم اعدام وی به دایره اجرای احکام ابلاغ شده و وی ممکن است به زودی اعدام شود. وی ضمن ارسال نامه ای خواستار تعیین یک وکیل جدید برای خود شده و از سازمان های حقوق بشری و مردم درخواست کرده که برای آزادی وی تلاش کنند. محبت محمودی از سال ۱۳۷۹ به جرم قتل مردی که قصد تجاوز به وی را داشت در زندان مرکزی ارومیه دوران محکومیت خود را می گذراند. محبت محمودی متاهل پس از تحمل ۹ سال زندان سرانجام توسط

دادگاه ارومیه در آستانه اعدام قرار گرفت که حکم قطعی اعدام او توسط دیوان عالی نیز تایید شد. تایید حکم اعدام نام برده توسط دیوان عالی در ۲۰ تیرماه سال جاری در زندان ارومیه به وی ابلاغ شد که با دستور قوه قضائیه به اجرا در خواهد آمد.

آن گونه که در خبرها آمده است، تا کنون هر دو همسر مرد مقتول مخالف اعدام محبت هستند اما برادر مقتول خواهان اجرای حکم اعدام محبت محمودی است.

\*\*\*



از صفحه ۴

## راه چاره خودکشی نیست ...

این مسائل حساس باشیم و آنرا جزئی از مبارزه علیه حکومت اسلامی بدانیم . نباید گذاشت که پدیده خودکشی در میان مردم، عادی و معمولی جلوه کند. دوما در همه مراسمها در همه تجمعها مبلغ و مروج این باشیم که دلایل ریشه های این ویروسی که به جان جامعه افتاده است را بخوبی نشان دهیم؟ و چگونه می توان متحدانه از شر آن خلاص شد. باید در مراسم این عزیزان توضیح داد که راه چاره خودکشی نیست، بلکه مبارزه با نظام و سیستمی است که سازمانده این همه مرگ و میر در جامعه است. زنده باد انسانیت.

۱۳ سپتامبر ۲۰۱۰

که افسرده هستند و در استرس به سر می برند و یا اینکه به فکر خودکشی افتاده اند انجام دهیم. اولین حرکت این است که فشار روحی و روانی و مشکلاتی که این افراد بدان دچار شده اند بعنوان بیماری برسمیت بشناسیم . دردی که جامعه در برابر آن از خود سلب مسئولیت کرده است. باید بسیار آگاهانه و دلسوزانه به این انسانها بر خورد و محبت کرد و قبل از هر حادثه نا گواری باید به یاریشان بشتابیم. و آگاهانه امید به زندگی و مبارزه در جامعه را در دل آنان دو باره زنده کنیم . باید در این رابطه دوستان و آشنایان خود را با خبر و از آنها هم کمک بگیریم . باید روی

گرسنگی و خودکشی نباشد. سر نگوئی حکومت اسلامی و در هم کوبیدن جهنم سوزانی که بر ما تحمیل کرده اولین قدم آن است. درک این مسئله و تشخیص این راه و اهمیت دادن به آن، خود عامل بسیار مهمی است برای کم کردن خود کشیها و تأثیر پذیری بر فضا و شرایطی که رژیم اسلامی آنرا بار آور و مهیا کرده است. ما چگونه در این رابط می توانیم شمر شمر باشیم! قبل از هر چیز مشکلات روحی و روانی این طیف از انسانها را باید بشناسیم. تا بتوانیم اقداماتی بکنیم تا بتوانیم کارهای اثر گذاری برای نجات جان آنهايي

اساسی سوسیالیسم انسان است .  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است .

## پدر و وکیل گلپری پور: حبیب کتاب داشت نه اسلحه



حبیب الله گلپری پور

درباره پسر من به قاضی ارائه دادیم که پسر من آدمی فرهنگی است و درگیر هیچ کار مسلحانه و سیاسی نبوده است. دو روز دیگر هم باید برویم تا ببینیم تکلیف درخواست عفوی که قبلا داده ایم چه می شود و چه پاسخی می دهند.

آقای گلپری پور با رد اتهام محاربه فرزندش می افزاید: "این اتهامات به پسر من نمی چسبید. او یک جوان ۲۵ ساله است که فقط کار فرهنگی میکرده و وقتی او را بازداشت کرده اند چند کتاب با خود داشته که کتاب ها را ضبط کرده اند. اسلحه ای نبوده و کار مسلحانه ای نکرده، جرم پسر من تنها داشتن چند کتاب بوده است و نمیدانم بر اساس چه قانونی به پسر من چنین اتهامی زدند و بعد حکم اعدام دادند."

پدر حبیب الله گلپری پور، روحیه فرزندش را خوب توصیف می کند و میگوید: "دوشنبه که او را دیدیم به

او ابلاغ کرده بودند که حکم اعدام در دیوان عالی کشور تایید شده است. روحیه اش هم خوب بود. اما شنیدم برخی جاها نوشته اند که پسر من گفته است من خودم به زندگی ام خاتمه میدهم و از این حرفها، در حالیکه این ها دروغ است نمیدانم با چه منظوری و چگونه به نقل از پسر من که در زندان است دروغ نوشته اند. من خودم از حبیب پرسیدم و خیلی هم نگران بودم اما گفت چنین حرفی نزده و وقتی حکم را به او ابلاغ کرده اند اعتراض کرده و گفته تا روشن شدن تکلیفش اعتصاب غذا میکند. بعد هم که به او گفتند حکم اولیه است و در دیوان عالی کشور می شکنند، پسر هم اعتصابش را شکست. اما دیدید که حکم شکست و تایید شد با این حال روحیه اش خوب است

وی می افزاید: یکسال است گرفتارمان کرده اند. باور کنید فقط

برای خودم و بچه ام نمی گویم بلکه از خدا میخواهم چنین گرفتاری برای هیچ انسانی پیش نیاید و من آخرین پدری باشم که چنین گرفتاری دارم. وجدان های بیدار و سازمان های حقوق بشری و سازمان بین الملل و کسانی که کار خیر میکنند هم میخواهم کمک کنند و اجازه ندهند این حکم اجرا شود.

خلیل بهرامیان، وکیل حبیب الله گلپری پور نیز که بعد از صدور حکم اعدام برای این زندانی سیاسی، وکالت او را بر عهده گرفته است می گوید: "روز دوشنبه با موکلم دیدار کردم و متوجه شدم که به او ابلاغ شده که دیوان عالی کشور حکم اعدام را تایید کرده اما تا این لحظه این حکم به من به عنوان وکیل آقای گلپری پور، ابلاغ نشده است."

آقای بهرامیان در پاسخ به این سؤال که با توجه به تایید حکم اعدام، چه راهکار قانونی برای جلوگیری از اجرای این حکم وجود دارد می

گوید: "من صورت جلسه ای دادم و خواستار اعمال ماده ۱۸ قانون دادگاههای عمومی و انقلاب شدم که بر اساس آن، در احکامی که مخالفت آشکار با ضوابط شرعی داشته باشد میتوان از رئیس قوه قضائیه درخواست تجدید نظر کرد. تمام راههای قانونی را می روم تا از حکم اعدام جلوگیری کنم."

وکیل آقای گلپری پور می افزاید: "اتهام موکل من محاربه است در حالیکه محاربه، به اقدامات مسلحانه بر علیه حکومت اسلامی گفته می شود اما موکل من به هیچ عنوان اقدام مسلحانه انجام نداده و هیچ مدركی هم در این زمینه وجود ندارد. از موکل من فقط چند کتاب گرفته و او رابه محاربه متهم کرده اند. البته در پرونده موکلم اقرار ایشان وجود دارد که با پژاک همکاری داشته اما خود او می گوید زیر فشار و شکنجه مجبور به اقرار دروغ شده است."

\*\*\*

### بازداشت پنج فعال سیاسی در شهر روانسر



از محل نگهداری این افراد تا کنون اطلاعی در دست نیست و تا کنون خانواده های آنان موفق به دیدارشان نشده اند.

آیت کریمی فرزند عبدالقادر، صالح کریمی فرزند عبد الرحمن، اکبر غلامی فرزند ابراهیم صابر محمدی فرزند محمد امین و واحد رحمانی فرزند محمد پنج بازداشت شده این روستا هستند.

این پنج نفر به اتهام همکاری با یکی از احزاب کردستان بازداشت شده اند.

\*\*\*

پنج تن از فعالان سیاسی در طی هفته گذشته در توابع شهرستان روانسر بازداشت و محل نامعلومی منتقل شده اند. در تاریخ ۱۲ شهریور ماه مأموران سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران با ورود به روستای بنچله از توابع شهرستان روانسر پنج نفر از اهالی این روستا را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

### همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

### تولیزون کانال جدید در شبکه هات برد

کانال جدید مجدداً به خانه های مردم ایران راه یافته است! کانال جدید صدای مردم محرومی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند! کانال جدید صدای اعتراض و مبارزه علیه حکومت دزدان میلیاردر و آدمکشان حرفه ای است! کانال جدید امید مردم به تغییر را تقویت می کند! کانال جدید سد سانسور را در ایران می شکنند و از همه آزادیخواهی و عدالت خواهی و برابری طلبی دفاع می کند!

کانال جدید صدای اعتراض علیه مجازات های وحشیانه سنگسار و اعدام و شلاق و شکنجه است!

### به کانال جدید، صدای اعتراض و مبارزه خود کمک مالی کنید!

کافی است لینک زیر را باز کنید و از طریق پی پل (pay pal) آنلاین کمک خود را واریز کنید:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

ساعات پخش: از ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی (۱۰ و نیم تا ۱۲:۳۰ به وقت ایران). مشخصات ماهواره:

هات برد - فرکانس ۱۱۲۰۰ - اف ای سی ۶/۵ عمودی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه KBC

پخش زنده کانال جدید هر روزه از طریق سایت کانال جدید نیز قابل مشاهده است ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم شب به وقت ایران (۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی و ۷ الی ۹ شب به وقت انگلیس)

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید.

شماره تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۸۹۸۷



# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!